فصلنامه علمی- پژوهشی

بررسی و تطبیق گرایش به انتزاع در نقوش سفالینه های ایران باستان و شیوه آپ آرت

وحید خضایی * دکتر محسن مراثی **

تاریخ دریافت مقاله : ۸۹/۱۱/۲۵
تاریخ پذیرش مقاله : ۹۰/۳/۸

چکیده

در هزاره های قبل از میلاد در ایران باستان، انسان هنرمند در خلق آثارخود با گذر از طبیعت گرایی رو به سوی انتزاع گذاشت وکوشید با بهره گیری از آن چه در محیط زندگی اش می گذرد، به نوعی بیان تصویری ساده و انتزاعی برسد. بیان انتزاعی که گویی دارای قواعد و حساسیت های خاص بصری است. یکی از الگو های این گرایش را می توان در نقوش سفالینه های ایران باستان جست وجوکرد. مطالعه و بررسی این نقوش و سیر حرکت آن به سوی انتزاع بیانگر نقش اندیشه، اعتقادات و همچنین ارزش ها و معیارهای موجود در این آثار است. نتایج این پژوهش نشان داد که نقوش سفالینه های ایران باستان در ادامه گسترش و تحول خود به تدریج از آفرینش نقوش طبیعی فاصله می گیرد و به جای پرداختن به جزییات طبیعت، راه تجرید را می پیماید. این تمایل به انتزاع در نقوش دارای نتایجی است که آثار بسیاری از نقاشان معاصر به ویژه هنرمندان شیوه آپ آرت را به آن ها نزدیک می کند.گرایشی که در سال های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ تحت عنوان نقاشی بصری یا شبکیه به نوعی انتزاع گرایی مبتنی بر سامان دهی اشکال هندسی با تاکید بر تاثیرات دیداری و حرکت نگاه در پهنه اثر توجه دارد. در این مقاله وجوه مشترک در گرایشات انتزاعی و همچنین تشابه موجود در نقوش سفالینه های ایران باستان و آثار آپ آرت مورد بررسی قرار گرفته است. تحقیق پیش رو به روش توصیفی، تحلیلی و گردآوری اطلاعات آن به روش کتابخانه ای انجام شده است.

واژگان کلیدی

نقوش، سفالینه، ایران باستان، انتزاع، آپ آرت .

*مدرس دانشگاه آزاد اسلامی و شهید مقصودی همدان،شهر همدان، استان همدان Email:vahidkhazaee@gmail.com
**استاد یار، عضو هیات علمی دانشکده هنر دانشگاه شاهد، شهر تهران، استان تهران Email:marasy@ shahed.ac.ir

Archive of SID
www.SID.ir

مقدمه

در هزاره های قبل از میلاد با آغاز عصر نوسنگی، زمانی که انسان توانست ابزارهای سنگی را به کار بندد و با فن سبد بافی آشنا شود، احتمالا با اندود کردن بدنه خارجی سبدها و قرار دادن آن ها درآتش به طور اتفاقی به شناخت ظروف سفالی و مزایای آن دست یافت. دسترسی به چنین ابزاری، تحولی چشمگیردر امـــر جمع آوری و نگه داری غذا پدید آورد و انسان به مرحله جدیدی از تحول و خلاقیت قدم گذاشت. در تکوین وگسترش این تحول، نام ایران همواره به عنوان یکی از نخستین جوامع پیش رو، در گاه نگار سفالگری جهان به چشم می خورد.

نگاهی اجمالی به تاریخچه سفال نشان می دهد، تداوم و پیشرفت این هنر نزد ایرانیان پیوسته با تفکر و خلاقیت همراه بوده است. به طوری که می توان جلوه های آن را در شکل ها و نقوش متنوع سفالینه ها مشاهده کرد. بررسی این آثار، از مهارت و توانایی این هنرمندان در چگونگی ساخت، تولید و ایجاد نقش های متناسب برروی سفال ها حکایت دارد. نقوشی که با بیانی حساس و دقیق به توصیف محیط، فرهنگ و آداب آن ها می پردازد و خواسته ها و نیازهای آن ها را بازگو می کند. در روند تحولات بعدی، گرایش و تمایلات هنرمندان به خلق مضامین جدید، صورت و شکلی دیگر به خود می گیرد. عدم وفاداری به طبیعت و توجه به ساختار و جوهر اشیاء، تحول دیگری است که در علائم و نشانه های او آشکار می شود. علائمی که برای استعانت از قوای طبیعت و صیانت از نیروهای مقتدر اهریمنی در قالب طرح ها و کنایات تصویری دارای معانی و ارزش های نمادین و اسطوره ای می گردد.(تصویر۱)

اگر چه می توان، هدف اصلی این نقوش را بیان همین ارزش ها و مفاهیم دانست. اما در کنار این توجه، آفرینش آثاری متنوع زیبا در ترکیباتی متناسب، ما را متوجه جنبه های دیگری از این نقوش،که همانا توجه به ساختارهای بصری و زیبا شناسی اثر است، می گرداند. به طوری که می توان نمونه های آن را با آثار هنرمندان معاصر به ویژه نقاشان شیوه آپ آرت مقایسه کرد. گرایشی که به دنبال ادراکات حسی ناب، تاثیرات دیداری و ایجاد خطاهای بصری از طریق سازمان دهی اشکال انتزاعی در سطح اثر بود.

جنبش هنری آپ آرت[1]

گرایش های کم و بیش مرتبط در نقاشی سال های ۱۹۶۰- ۱۹۷۰ را می توان زیر عنوان **نقاشی بصری یا شبکیه**[2] قرار داد. این جنبش به عنوان یکی از بارزترین نمایندگان هنر هندسی و انتزاعی با تکیه بر عناصر بصری به عنوان بیانی مستقل، در دورانی شکل گرفت که به طورخاص دوره شکوفایی جنبش های جدید با اسامی تازه بود. این گرایش ها شامل بررسی های پر دامنه ای می شوند که بهترین تعریف ممکن شان در تحلیل آثار منفرد به دست می آید.

آپ آرت یا هنر بصری نوعی انتزاع گرایی مبتنی بر سامان دهی اشکال دو بعدی و سه بعدی بود که بر تاثیرات دیداری و حرکت نگاه در پهنه تابلوی نقاشی توجه داشت. آن چه که بیننده در مواجهه با چنین اثری دریافت می کرد، یا متکی بر واکنش های روانشناسانه در حرکت نگاه و فرایند دیدن بود و یا صرفا» اشیایی که در ساختمان خود، عنصر حرکت را تداعی می کردند. تضاد رنگ مایه ها در آثار این سبک، توهم حرکت را پدید آورده و از این طریق کیفیتی بصری با آمیزش دو عنصر تضاد و حرکت حاصل می آمد. (هاروارد ، ۱۳۷٤، ٥٨٦)

بررسی عوامل مشترک بین هنرمندان ایران باستان و شیوه آپ آرت

در بررسی تاریخچه هنر نقاشی و علل انگیزه های خلق آثار اولیه در بین هنرمندان باستان، باید به هزاران سال پیش و به واپسین دور های عهد پارینه سنگی رجوع کرد. جایی که نخستین نشانه های تصویری بر بدنه غارها ثبت شده است. این تصاویر زنده، با نگاه طبیعت گرایانه خود از وفاداری محض به طبیعت آغاز میشود و به شیوه ای چالاک تر و درخشان تر ارتقاء می یابد و سپس ضبط حالت ها و جنبه های پیوسته و اطوار سخت را به عهده می گیرد. شیوه طبیعت گرایانه که تا پایان دوره چند هزار ساله پارینه سنگی ادامه داشت اینک با آغاز عصر نو سنگی و دگرگونی در شیوه زندگی انسان، تحولات و تجربیات متفاوتی احساس شد.

زندگی و ساخت سر پناه در بستر رودخانه ها اندازه گیری و محاسبات طغیان آب در فواصل و فصول مختلف، تقسیم اراضی و توسعه فنون کشاورزی، ایجاد نقشه های اقتصادی در جهت پیش بینی احتمالات گوناگون، برقراری نظم و تشکیل جامعه ای با منافع، وظایف و تعهدات مشترک، باور به نیروهای برتر و قدرت های متعالی، برگزاری مناسک مذهبی، ساخت پرستشگاه ها، بت ها، طلسم ها و نمادهای مقدس، جملگی انسان عهد نوسنگی را با عناصر،

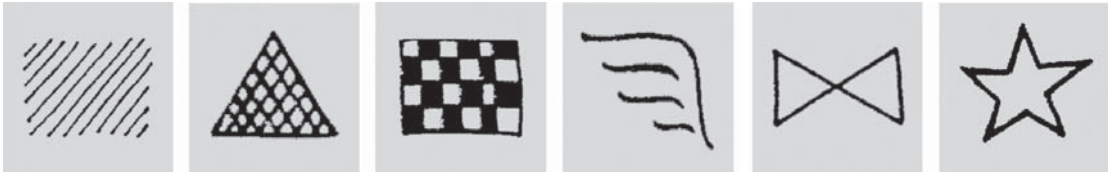

تصویر ۱ – نمادهای آسمان و زمین در نقوش سفالینه های ایران باستان، ماخذ: عبداللهیان۱۳۷۷، ۴۷

1- Opart
2- Visual Painting

www.SID.ir

تصویر ۲- سفال شهر سوخته، ۵۰۰۰ ق م، مـــــــــاخذ : www.archaeology.ac.ir

پدیده ها و تجربیات متفاوتی مواجه می سازد و به شکلی ناخودآگاه، ذهن و نگاه او را به ساختاری انتزاعی، هندسی و ریاضی گونه سوق می دهد.(کامبخش فرد،۱۳۸۰، ۳۲)

در این میان نقوش سفالینه های ایران باستان نمونه مناسبی است از این تحول که با شکلی متفاوت از شیوه های طبیعت گرایانه ظاهر می گردد. انسان عهد نوسنگی در سایه اندیشه و تفسیر، نقوش تجریدی را در برابر واقعیت تجربی قرار می دهد و از نقش حقیقی و انعکاس آن عدول می کند و با کلیشه سازی و ساده سازی محیط، پاسخی برای ذهن پرسشگر خود می یابد. پیدایش تفکرات انتزاعی، گرایش به ناب گرایی و انعکاس آن درآثار هنرمندان ایران باستان، تشابه این نقوش هزاران ساله را به آثار هنرمندان آپ آرت نزدیک و مرتبط می کند.

در بررسی هنر معاصر اصطلاح انتزاع به معنی چیزی جدا شده از طبیعت همواره موضوع مورد بحث بوده است. به طور تقریبی هنرمندان از اواسط سده نوزدهم به بعد آگاهانه یا ناآگاهانه، در جهت پی ریزی تصوری از نقاشی به عنوان یک پدیده فی نفسه مستقل و نه صرفا تقلیدی گام برداشته اند. واسیلی کاندینسکی[1] به عنوان یکی از بنیان گذاران عرصه انتزاع،گام های بزرگی را در روند استقلال نقاشی از موضوعات واقعی برداشت. او در کتاب معروف خود به نام«معنویت در هنر» شدیدا به مقوله انتزاع و توجه به شکل های ساده شده هندسی و جدا سازی هنر از دنیای عینی و کشف یک موضوع ذهنی جدید که تنها بر نیاز درونی هنرمند متکی باشد تاکید دارد.(کاندینسکی، ۱۳۸۷ ،۱٤۰)

هنرمندان آپ آرت نیز در باز آفرینی اندیشه خود، آثار و تجربه های وسیعی را در قالب شکل های انتزاعی و ساختاری ریاضی گونه هندسی انجام دادند. بهره مندی از انواع تدبیرهای بصری به غیره گرایش به ساده سازی و استفاده از اشکال ناب هندسی در مقولاتی منظم از عمده نکات آثار این هنرمندان است. آن چنان که جاسیار رایچارت[2] می نویسد:«آپ آرت هنری انتزاعی، اساسا فرم گرایانه و بسیار دقیق است و آن را می توان صورت تعمیم یافته و جوهر هدف کازمیر مالویچ برای آن چه خود تفوق ادراک حسی ناب در هنر نامیده تعریف کرد».(گودرزی، ۱۳۸۱، ۵۲۵)

از طرفی دیگر با مرور آثار و بر اندیشه های برخی از هنرمندان آپ آرت، با نیت و عملکردی مشابه آن چه در نقوش سفالینه های ایران باستان رخ داده مواجه می شویم به طوری که برجیت رایلی[3] یکی از چهره های برجسته این جنبش، عناصر تشکیل دهنده آثارش را به عنوان بخشی از طبیعت به کار می گیرد و در صدد ارائه نیروهای طبیعی همچون سیل، رودخانه و کوه ها بر می آیـــد که البته این تاثیر بدون تاکید بر منظره سازی و در قالب اشکال ناب مشتق شده از جوهر طبیعت صورت می پذیرد. مشابه همین برداشت را می توان در آثار اولیه ویکتور وازارلی[4] یکی از بنیان گذاران شیوه آپ آرت در ارائه سوژه هایی چون ببرها و گورخر ها که زمینه ای برای ارائه طرح های راه راه و انتزاعی او بودند، مشاهده کرد. بررسی تصاویر موجود بر روی در سفالینه های باستان نشان می دهد هنرمندان این آثار در کنار انتقال مفاهیم و ترسیم نقوش نمادین به درک ویژه ای از جهت احاطه بر تجسم و ترکیب عناصر بصری نائل آمده اند. به طوری که در بسیاری از نمونه ها، هنرمند سفالگر با خطوط و اشکال ساده، علاوه بر ارضای غرایز خود در تبلیغ هنر و انعکاس زیبایی گام برداشته است.

به کارگیری طرح های هندسی شامل، خطوط شکسته، خطوط موازی و موج دار، مثلث، مربع و دایره ها با ریتمی هماهنگ و موزون نشان می دهد که هنرمند ایران باستان با کیفیت عناصر بصری از جمله وزن، کشش، ریتم و نیروهای آن ها آشنایی کامل دارد و آن را در جهت برقراری تعادل، متناسب با شکل و حجم سفال به کار می بندد. توجه به معیارهای زیبا شناسی و سازمان دهی آن در نقوش سفالینه های ایران باستان به چنان توفیقی می رسد که آرتور آپهام پوپ[5] درکتاب خود شاهکار های هنر ایران می نویسد: «نمونه سفال های ایران باستان در نوع خود به نهایت زیبایی رسیده و در عین سادگی بسیار صریح نقش شده اند». (پوپ، ۱۳۸٤، ۹)

بهره مندی از اشکال و قواعد بصری و آرایش آن در جهت خلق اثری زیبا در نقوش سفالینه های ایران باستان، از دیگر معیارهای مشابهی است که می توان در مقایسه و بررسی جنبه های فنی جنبش آپ آرت به آن اشاره کرد. آن چه مسلم است علاقه به پژوهش های بصری در شکل گیری آثار هنرمندان آپ آرت نقش به سزایی داشته است. بهره گیری از شیوه ها و تدابیر گوناگون برای ایجاد تاثیری مهیج و آنی در چهار چوب سازمان بصری و انتزاعی، از اجزای ضروری نقاشان آپ آرت است. در واقع هنرمندان این جنبش به شکلی از هنر روی آوردند که بیش ترین تاکید را بر تاثیرات بصری و جنبه های حسی داشت.

1- Wassily Kandinsky
2- Jasyar Richrt
3- Bridget Riley
4- Victor Vasarely
5- Arthur Upham Pope

Archive of SID
www.SID.ir

تصویر ۳- سفال تل باکون، ۳۵۰۰ ق.م، ماخذ: کامبخش فرد،۱۲۱

آثار آپ آرت اصولا موضوع مناسبی برای کاوش های عقلی و فکری نیستند. قوت این آثار معمولا در تاثیرات حسی شدیدی است که بر جای می نهند. بررسی این آثار نشان می دهند شیوه و بهره گیری مناسب از اشکال و عناصر بصری عملا به موضوع اثر مبدل می شود و می توان تاثیرات ناشی از این عناصر را تنها محتوای اثر به شمار آورد. ویکتور وازارلی، که عمرش را یکسره وقف هنرهای بصری و نظریه های مربوط به ادراکات حسی کرده است، در خلق آثارش به تجربه نقش های موج دار، ضرب آهنگ های سکته دار، شکل های مکرر هندسی، جذابیت خطوط موزون، تغییرات ساختاری و جنبش نمایی های بصری می پردازد. او در تاثیر این عناصر می کوشد تا با ایجاد واکنش های بصری، ادراک بیننده را برهم زند و نوعی احساس لذت را در او بیدار سازد.(گودرزی، ۱۳۸۱، ۵۲۷)

وجود همین ویژگی و غلبه جنبه دکوراتیو و لذت بصری آثار او سبب تکثیر، چاپ و انتشار آن ها در سراسر دنیا شده است. از سویی دیگر نکته اساسی در آثار هنرمندان جنبش آپ آرت بهره گیری از جلوه های جادویی، حاصل از رنگ ها و عناصر بصری، در جهت ایجاد توهمی از حرکت و عمق است. در این توهم فرایند طبیعی و متعارف دیدن، اغلب از طریق ایجاد تغییر در ساختار عناصر بصری و رنگ های موجود در اثر، در معرض تردید قرار می گیرد و نیاز به بازنگری ضروری می نماید. استفاده از روش های گوناگون برای ایجاد تصور حرکت و دگردیسی در قالب اشکال انتزاعی یکی از مهم ترین توجهات هنرمندان آپ آرت است. بهره گیری از ریتم های تکرار شونده، استفاده از اشکال هندسی مربع، مثلث، چند وجهی، مستطیل و دایره گاهی با نمای روبه رو و گاه به صورت یکبری، به کارگیری رنگ های درخشان بر زمینه های متضاد همگی از جمله روش هایی است که هنرمندان آپ آرت در القای حس حرکت، عمق، و به عبارتی ایجاد خطای باصره به کار می بندند.(گودرزی، ۱۳۸۱، ۵۲۸) با توجه به اهمیت آن چه گفته شد، به کارگیری همین تمهیدات در آثار گذشتگان نیز قابل بررسی است. خطای بصری، به نحوی از همان نخستین روزهای پیدایش هنر نقاشی در قالب نقاشی های غارها توجه نقاشان را به خود جلب کرد. ترسیم پیکره ها و حیوانات شکار بر دیوار غارها با در نظر گرفتن برجسته گی ها و فرورفته گی های سطوح انجام می گرفت، به طوری که قسمت های حجیم و برآمده حیوان در بخش های برجسته دیوار نقش می شد تا به درک و تجسم واقعی حیوان کمک کند. از طرفی دیگر بدن حیوانات ترسیم شده بسیار کشیده و اغراق آمیز به نظر می رسد که این موضوع خود تمهیدی بود به منظور بیان و القای حس حرکت. (هاورز، ۱۳۶۲، ۵۸۶)

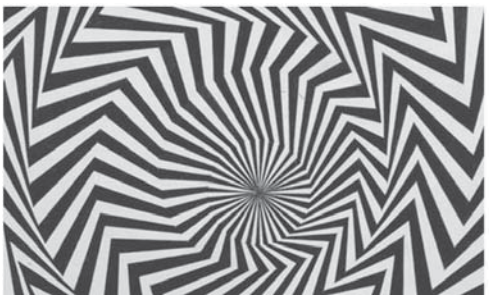

تصویر ۴- برجیت رایلی،۱۹۶۱ ماخذ: wikioedia.org/opart

Archive of SID

www.SID.ir

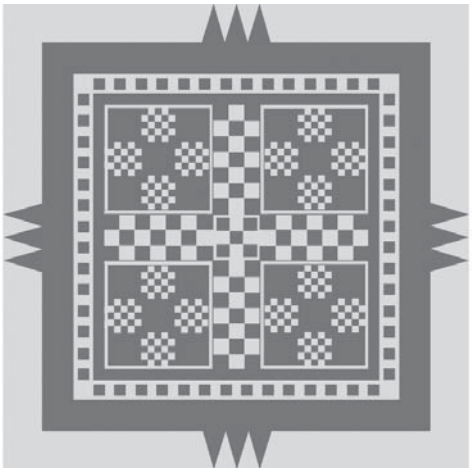

تصویر ۵- سفال سیلک، ۱۵۰۰ ق.م ماخذ: کامبخش فرد، ۹۵

با ورود به دوران نوسنگی و اختراع سفال، توجه هنرمندان ایران باستان به موضوع حرکت و ثبت آن در نقوش سفالینه ها همچنان تداوم یافت، به طوری که اکتشافات اخیر باستان شناسان در شهر سوخته واقع در سیستان و بلوچستان، خبر از کشف سفال انیمیشن[1] با قدمت ۵۰۰۰ ق.م می دهد. این سفال تصویر بز کوهی، نماد ایران باستان است که برای چیدن گیاه مقدس هوم جست وخیز می کند و تداوم این حرکت را می توان به طور پیوسته به دورسفال مشاهده کرد. (تصویر۲)

تجسم حرکت، در نقوش هندسی سفالینه های ایران باستان نیز قابل جست وجو است. آن جا که هنرمند باستان با پدیده های متحرک طبیعت نظیر حیوانات، باد، رعد و برق و حرکت خروشان رودخانه ها مواجه می شود، از کیفیت عناصر بصری بهره می گیرد، و خطوط و اشکال هندسی را در پیچش های موزون، زیگزاگ و مواج در قالب ریتم های پیوسته و هماهنگ به کار می بندد. او نظیر همین تاثیرات را در القای شکل های دور و نزدیک نیز به کار می گیرد، تغییر در انحنا و ضخامت خطوط، بزرگی اشکال هندسی در سطوح جلوتر و ترسیم تقسیمات کوچک تر در انتهای ظروف سفالی، جملگی روش هایی است که هنرمندان عهد باستان به آن توجه داشته ودر به کارگیری حس حرکت، بعد و توهمات بصری در نقش سفالینه ها به کار بسته اند.

اگر چه در این مقایسه باید اشاره کرد هنرمندان آپ آرت به منظور دستیابی هر چه بیش تر به جنبه های گوناگون خطای باصره، تحقیقات وسیعی را درباره ارزش ها، نسبت ها و تاثیرات متقابل رنگ ها انجام دادند که توجه به این امر شاید، به دلیل محدودیت سطح و فضای سفال ها در آثار هنرمندان ایران باستان کم تر دیده می شود.

بررسی روند هنری آپ آرت در دهه های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ علاوه بر شاخص ها و تجلیات هندسی و انتزاعی، رویکرد های اجتماعی دیگری نیز به همراه داشت. به طوری که آثار این هنرمندان به دلیل کاربرد مناسب و چند منظوره خود به طورگسترده در سطح جهان منتشر شدند و در مراکز مختلف از جمله آموزشگاه ها، فروشگاه ها،موزه ها و اماکن عمومی مورد استقبال فراوان قرار گرفتند. به یقین دلایل این حضور را می توان در افکار و عقاید هنرمندان این جنبش جست وجو کرد. آن جا که وازارلی می کوشد از نقاشی به عنوان یک حرکت انفرادی و امضای هنرمند منزوی دست بردارد و بر این باور است: « که آثار هنری باید در اختیار همه قرار گیرد و از منحصر بودن چشم

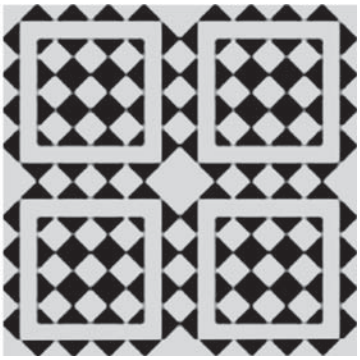

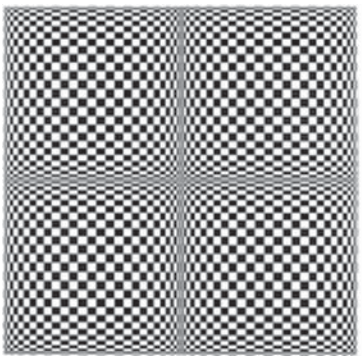

تصویر ۶- Cherchez Le Diamant، 2002، ماخذ: wikioedia.org/opart

1- Animation

www.SID.ir

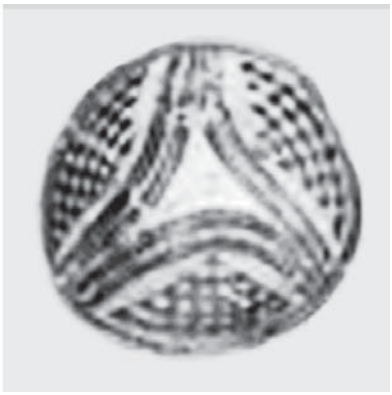

تصویر ۷- سفال شوش، ۳۵۰۰ ق.م، ماخذ: کامبخش فرد، ۱۲۱

بپوشد». در واقع تلاشی برای دستیابی به همین منظور است. هنرمند و نظریه پردازان جنبش آپ آرت معتقدند هنر در جامعه صنعتی امروز باید زمینه ای اجتماعی داشته باشد.(گودرزی، ۱۳۸۱، ۵۲۹)

اثر هنری، اندیشه نومایه هنرمند است نه شیئی متشکل از رنگ و بوم، این اندیشه پس از آن که در قالب شکل های هندسی و انتزاعی با سازماندهی ریاضی و رنگ های استاندارد شده بیان شد می تواند پخش و بازآفرینی شود و به شکل های گوناگون تکثیر شود. آنان به جای اصطلاح سنتی اثر هنری به عنوان شیئی خاص اصطلاح هنر اجتماعی را می نشانند،که منظورش هنری است که به دست هنرمندی تماما مسلط بر اسلوب های ارتباطات صنعتی نوین، برای توده عظیمی از تماشاگران آفریده می شود. بروز این اندیشه و رویکرد آن در خلق آثاری که بتواند از چهار چوب محدود خود خارج شود و قابلیت بازآفرینی و تکثیر یابد و به شکل وسیع تری در اختیار همگان قرار گیرد، (هاروارد، ۱۳۷٤، ۵۸۷) در تفکر جوامع باستان نیز قابل مشاهده و بررسی است.

به طوری که مطالعات نشان می دهد، تغیرات اقتصادی و اجتماعی در شهرهای مختلف باستان در پیدایش و تحولات سفال نقش موثری داشته است. به آن معنی که مهم ترین دوران تولید سفال در هر شهر هم زمان با پیشرفت های اقتصادی و اجتماعی آن شهر بوده است. بررسی ها نشان می دهد، سفال های منقوش ایرانی در مرحله ای از تاریخ به صورت کالایی تجاری برای داد و ستد بین جوامع اولیه رواج داشته است. (توحید، ۱۳۸۲، ۱۲)

با توجه به همین موضوع و با در نظر گرفتن عرصه تولید در ساخت سفال، به یقین هنرمند باستان نیز در شیوه نقش اندازی خود برروی سفال ها تحولی عمده ایجاد کرده است. به طور مسلم ترسیم نقوش، با پرداختی دقیق و نگاهی واقع گرایانه و صرف وقت زیاد نمی توانسته پاسخ گوی تحول جدید درزمینه تولید باشد. او نیز برای آن که اثرش به طور وسیع تری در دسترس همگان قرار گیرد روش های دیگری را برمی گزیند، جست وجوی مضامین تازه، انتخاب شکل ها و نقش های گویاتر با قابلیت تکثیر و انتقال، آفرینش

تصویر ۸-2001، Jim Isermann ماخذ : wikioedia.org/opart

Archive of SID

www.SID.ir

تصویر ۹-سفال سیلک، ۱۵۰۰ ق.م، ماخذ: کامبخش فرد، ۸۶

آثاری خلاق و زیبا با بیانی حساس تر و عمیق تر، همه از جمله مواردی است که هنرمند باستان در تحول جدید به آن توجه دارد. او نیز در تشابه نزدیک با هنرمندان معاصر آپ آرت، مضامین و اندیشه های خود را در قالب شکل های هندسی و انتزاعی با ترکیبی ریاضی گونه سامان می بخشد تا بتواند هر چه بهتر آثار خود را تکثیر و بازآفرینی کند.

به طور یقین آن چه در مقایسه نقوش سفالینه های ایران باستان به صورت جداگانه مورد بحث قرار گرفت، هیچگاه به تنهایی هدف و مقصود هنرمندان باستان نبوده است. در واقع می توان بیان نیازهای ذهنی، انتقال آمال، آرزوها و پیام ها را از جمله دغدغه های اصلی این هنرمندان دانست. توجه به معیارها و ساختارهای زیبا شناسی که از فطرت زیبا دوست انسان سرچشمه می گیرد، تنها به عنوان بخشی از این عوامل سبب خلق آثاری تامل برانگیز گشته که نتایج آن، مشابهت زیادی با آثار هنرمندان معاصر آپ آرت دارد.

بررسی و مقایسه آثار هنرمندان ایران باستان و هنرمندان شیوه آپ آرت

با توجه به آن چه در بررسی علل و انگیزه های مشترک و متفاوت در بین هنرمندان ایران باستان و شیوه آپ آرت گفته شد، اینک در این بخش به مقایسه برخی از نقوش سفالینه های ایران باستان با آثار هنرمندان شیوه آپ آرت می پردازیم.

تصویر ۳ مربوط به سفالی است با نقش هندسی، از منطقه تل باکون واقع در جنوب غربی تخت جمشید. ویژگی نقش، استفاده از شکل مارپیچ با بهره گیری از خطوط زاویه دار و شکسته و تکرار آن به صورت متناوب در دو ردیف منظم پیرامون سفال است. نقش در ردیف بالا به

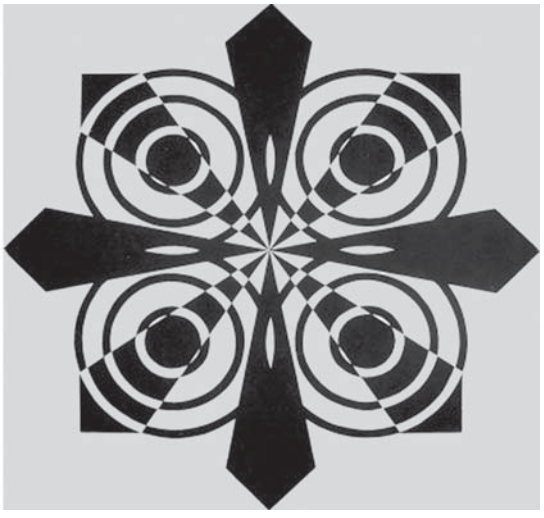

تصویر ۱۰-Kelly Karl, 2000، ماخذ: wikioedia.org/opart

Archive of SID

www.SID.ir

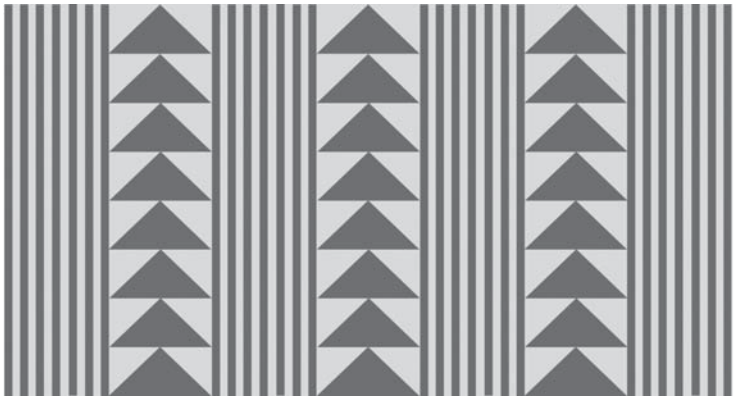

تصویر ۱۱- سفال سیلک، ۳۰۰۰ ق.م، ماخذ: کامبخش فرد،۸۶

دلیل قرارگیری زاویه مارپیچ، نوعی حس حرکت و چرخش رو به جلو دارد. به طوری که تدوام همین حرکت در ردیف پایین، با تغییر در زاویه مارپیـــچ حرکت معکـــوس راست به چـپ را تـداعی می کند و وجود همین موضوع سبب هدایت نگاه بیننده به اطراف سفال می گردد.

بیان همین ویژگی را می توان در آثار هنرمندان آپ آرت مشاهده کرد. (تصویر ٤) این آثار نیز با استفاده از خطوط زاویه دار وشکسته و تکرار آن، حول مرکز داخلی سبب ایجاد حس حرکت و چرخش نگاه در سطح اثر گشته اند و به نوعی احساس مشترکی را تداعی می کنند.

تصویر ٥، سفالی از منطقه سیلک واقع در شرق چشمه فین کاشان است. از ویژگی های نقش این سفال می توان به ایجاد تقسیمات هندسی متنوع در قالبی مشخص اشاره کرد. نقش در قابی مربع به صورت قرینه، از محور عمودی و افقی خود به چهار قسمت مساوی تقسیم شده و هر قسمت نیز با تکرار مربع های کوچک تر ترکیبی را ایجاد می نماید که تصوری از عمق را در ذهن بیننده مجسم می سازد. بیان همین ویژگی، درترکیب بندی کلی اثر نیز حاکم است به طوری که با قرار گیری چهار وجه جانبی در کنار هم و ارتباط آن ها به وسیله شبکه ای از مربع های بزرگ تر، این تصور ذهنی دوباره تکرار می شود. وجود مثلث های کناری

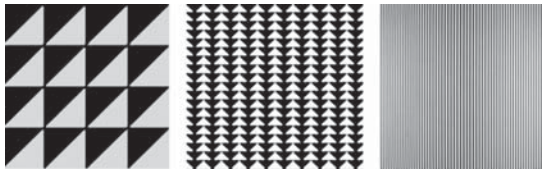

تصویر ۱۲- برجیت رایلی، ۱۹۶۵. Boggeri،1992 مـــــاخذ: wikioedia.org/opart

قاب نیز توجه و نگاه بیننده را به مرکز نقش معطوف می سازد. درتصویر ٦، آثار هنرمندان آپ آرت ارائه گردیده است که به طور مشخص چه از جهت نوع برقراری ارتباط بین نقوش و چه به دلیل ایجاد توهمی از جا به جایی و حرکت در ترکیب نقش ها تشابه نزدیکی با آثار هنرمندان باستان دارد.

تصویر ۷، سفالی از منطقه شوش واقع در جنوب ایران را نشان می دهد. نقش این سفال بر روی ظرف مدوری تنظیم گشته که از مرکز آن به سه وجه مساوی تقسیم شده است. در هر وجه شبکه ای از لوزی های متصل به هم وجود دارد که در کنار هم مثلثی ایجاد می کند که راس آن به نقطه مرکزی ظرف هدایت می شود.

در قسمتی دیگر و از محل تقسیم سه وجه دایره سه منحنی با قوس های متمایل به داخل ترسیم گشته است که از اتصال این قوس ها سه مثلث دیگر با اضلاع رو به داخل ایجاد کرده است که هر چه به مرکز دایره نزدیک تر می شوند ،

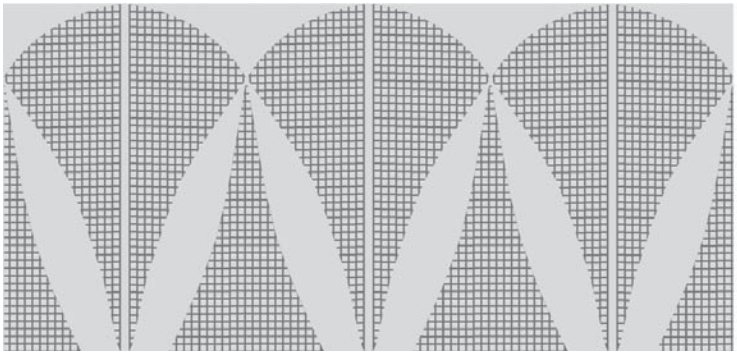

تصویر ۱۳- سفال سیلک، ۳۰۰۰ ق.م، ماخذ: کامبخش فرد،۹۱

Archive of SID

www.SID.ir

تصویر ۱۴- Kelly Karl. ،2001 ماخذ: wikioedia.org/opart

تصویر ۱۵- سفال شوش، ۳۵۰۰ ق.م، ماخذ:کامبخش فرد، ۱۲۱

کوچک تر می گردند. در مجموع،کل نقش با توجه به طرح دایره ای شکل آن به نحوی ترکیب یافته است که نگاه بیننده را از پیرامون آن به به داخل هدایت می کند و نوعی عمق نمایی را در مرکز اثر به وجود می آورد. ایجاد همین تصور را می توان از تکرار و جابه جایی شکل های هندسی و بهره گیری از خطای باصره در ترکیب بندی ها و آثار هنرمندان آپ آرت در مشاهده کرد. (تصویر ۸)

تصویر۹، مربوط به سفالی با نقش هندسی از منطقه سیلک کاشان است. این نقش ترکیبی دایره ای شکل دارد که از حرکت شش مثلث متساوی الساقین به مرکز آن تشکیل شده است. در فواصل این مثلث ها شش مثلث کوچک تر نیز قرار گرفته اند که در مجموع به مرکز نقش که شکلی دایره وار دارد منتهی می شوند. برروی سطـــــح مثلث های بزرگ تر خطوطی متقاطع که شبکه ای لوزی شکل را به وجود آورده اند، ترسیم شده است. راس این لوزی ها نیز حرکت به مرکز نقش را تقویت می کنند. ترکیب بندی کلی اثر برنقطه مرکزی طرح تکیه دارد و با بهره گیری از ویژگی های هندسی شکل ها و نحوه قرار گیری آن ها تصوری از عمق و برجسته نمایی را در ذهن القاء می کند. تصویر ۱۰، نمونه دیگری از آثار هنرمندان آپ آرت است که در قالب اشکال هندسی و با ترکیبی مشابه با نقوش باستانی ایران ترسیم شده است.

تصویر ۱۱، مربوط به سفالی از منطقه سیلک کاشان است. نقوش این سفال که با ریتمی متناوب به دورآن نقش بسته ، ترکیبی است از خطوط موازی به شکل عمودی و مثلث هایی هم اندازه که برروی هم چیده شده اند. وجود خطوط عمودی به موازات هم و ترکیب مثلث های متساوی الضلاع که در راس خود بر روی هم منطبق گشته اند، تاکیدی است که نگاه بیننده را به سمت بالا حرکت می دهد. این ویژگی با تکرار مناسب نقش ها در کنار هم تقـــــویت می شود و ظرف سفالی را در نظر بیننده بلند تر می نماید. تداعی حس حرکت با ترکیب شکل های هندسی از جمله مواردی است که هنرمندان آپ آرت در آثار خود بسیار به آن پرداخته اند. در تصویـــــر ۱۲،نمونه ای از این آثار دیده می شود که به دلیل ترکیب و نوع اجراء مشابهت بسیاری با نقوش باستانی دارند.

تصویر ۱۳، سفالی از منطقه سیلک کاشان است. ویژگی های نقش این سفال تکرار مثلث هایی است که به دور سفال کشیده شده است. این مثلث ها که در دو ردیف و از راس خود به شکل وارونه در مقابل هم قرار دارند، نگاه بیننده را در دو جهت بالا و پایین سفال به حرکت در می آورند. سطح مثلث ها با شبکیه ای از خطوط متقاطع پوشانده شده که با توجه به حساسیت خاصی که به آن ها بخشیده باعث شده سطح آن ها سبک تر به نظر برسد و چرخش نگاه در فواصل شان راحت تر صورت پذیرد. همچنین انحنایی که در اضلاع مثلث ها مشاهده می شود در عین لطافت، در حرکت و جا به جایی دید بسیار موثر است. بهره مندی از همین الگوها در اصول و مبانی آثار هنرمندان

Archive of SID

www.SID.ir

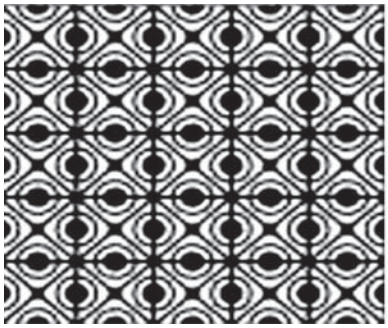

تصویر ۱۶- Tofer Chin، 2001 ماخذ: wikioedia.org/opart

آپ آرت استفاده فراوان دارد ونمونه هایی از آن را می توان در تصویر ١٤ مشاهده کرد.

تصویر۱۵ مربوط به سفالی از منطقه شوش است. نقش این سفال ترکیبی دایره ای شکل دارد که از مرکز آن به سه وجه مساوی تقسیم شده است. در هر وجه سه حلقه کوچک تر قرار دارد که در مرکز دایره اصلی به هم متصل شده و احساسی از تمرکز و برجستگی سطح را در ذهن بیننده ایجاد می کند. این واکنش با قرار گرفتن سه مثلث دیگر که راس آن ها در فواصل این دوایر قرار دارد تقویت می شود. همچنین ریتم خطوطی که در داخل هر دایره قرار گرفته بار دیگر حرکت نگاه را به مرکز نقش هدایت می کند. استفاده از ترکیبات و تقسیمات دایره جهت ایجاد خطای باصره و القای توهمی از بعد در بسیاری از آثار هنرمندان آپ آرت قابل مشاهده است. تصویر١٦، نمونه ای از این آثار است.

تصویر ۱۷، سفالی از منطقه شوش را نشان می دهد. نقش این سفال ترکیبی است از خطوط شکسته عمودی با زاویه ای ملایم،که در کنار هم و در جهت افقی نقش تکرار شده اند. زوایای شکسته و راس این خطوط گاه نگاه را به بیرون نقش و بار دیگر به داخل می کشاند، از این رو دید بیننده در دو جهت طرح در نوسان است. در فواصل این خطوط مثلث هایی قرار دارد که از راس خود به صورت افقی بر هم منطبق شده اند. نحوه قرار گرفتن این مثلث ها توجه را به داخل متمرکز نموده و از این طریق ریتم و حرکت خطوط شکسته را در محدوده نقش کنترل می سازد. درترکیب بندی این اثر در کنار توجه به جنبه های تزیینی آن ، ریتم و آهنگی از حرکت را در ذهن بیننده ایجاد می کند که از جمله ترفندهای به کار گرفته شده در آثار هنرمندان آپ آرت است. تصویر ۱۸ نمونه ای از این آثار را نشان می دهد و با توجه به ریتم و آهنگی که از تکرار خطوط می آفریند، نگاه بیننده را به آرامی در سطح اثر به ارتعاش و حرکت در می آورد.

تصویر۱۹، سفالی از منطقه تل باکون واقع در جنوب غربی تخت جمشید است. طرح و نقش این سفال با استفاده از شکل های متنوع هندسی ترکیب یافته و در سمت بالا و پایین طرح، نقش لوزی در ترکیبی مثلثی شکل به موازات سطح اثر تکرار شده است. راس این مثلث ها در مرکز نقش بر هم منطبق می شود و از این طریق دید بیننده را در فضای بالا و پایین طرح به مرکز آن هدایت می کند. وجود خطوط کناری مثلث ها نیز در تقویت این حرکت موثر است. در سطح میانی و در فضای خالی مثلث ها خطوطی دیگر دیده می شود که با شیب ملایم دوباره از مرکز نقش نگاه را به پیرامون آن بر می گرداند. به کار گیری این تمهیدات، سطح اثر را دچار نوسان می کند و دید مخاطب را در دو جهت داخل و بیرون نقش حرکت می دهد. تصویر ۲۰ آثاری از هنرمندان آپ آرت را نشان می دهدکه با استفاده از ترکیب و تکرار شکل های مثلثی درجهت های متفاوت توهمی از حرکت را مطابق آن چه در نقوش ایران باستان

تصویر ۱۷- سفال شوش، ۳۵۰۰ ق.م، ماخذ: کامبخش فرد، ۱۲۲

Archive of SID

www.SID.ir

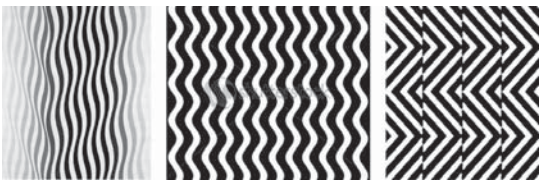

تصویر ۱۸- Boggeri ، 1996. برجیت رایلی، ۱۹۶۳.

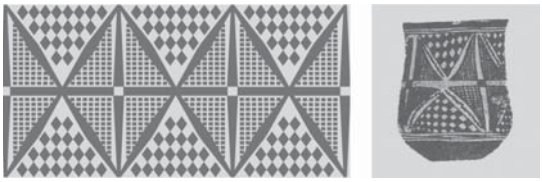

تصویر۱۹-سفال تل باکون، ۳۵۰۰ق.م، ماخذ: کامبخش فرد، ۱۲۱

تصویر۲۰-1997، Jim Isermann .برجیت رایلی، ۱۹۶۵، ماخذ: wikioedia.org/opart

تصویر۲۱- سفال شوش، ۳۵۰۰ ق.م، ماخذ: wikioedia.org

تصویر۲۲- 1994، Tofer Chin، ماخذ: wikioedia.org/opart

جدول ۱- تطبیق عوامل و انگیزه های مشترک بین هنرمندان ایران باستان وشیوه آپ آرت

	عوامل مشترک	عوامل مورد بررسی در نقوش سفالینه های ایران باستان		عوامل مورد بررسی در شیوه آپ آرت	
۱	گرایش به انتزاع	پیدایش تمایلات و تفکرات انتزاعی، گرایش به ناب گرایی در قالب شکل ها و ترکیبات متنوع هندسی.		بهره مندی از انواع تدبیر های بصری به ویژه گرایش به ساده سازی ها و استفاده از اشکال ناب هندسی در سازماندهی منظم.	
۲	شیوه مواجهه و برداشت هنرمندان از طبیعت	بهره گیری از محیط و طبیعت پیرامون با توجه به مفهوم و جوهر درونی پدیده ها.	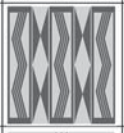	تاثیر پذیری از عناصر و نیرو های طبیعت در قالب اشکال انتزاعی، بدون تاکید بر منظره سازی.	
۳	توجه به کیفیات بصری در آفرینش اثر هنری	نحوه نمایش عناصر و کیفیت های بصری، توجه به معیارهای زیبا شناسی در قالب نقوش و تزئینات سفالینه ها.		علاقه به پژوهش های بصری، بهره گیری از شیوه ها و تدابیر گونا گون برای ایجاد تاثیری مهیج، زیبا و لذت بخش در چهار چوب سازماندهی بصری و انتزاعی.	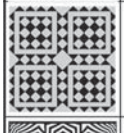
۴	توجه به قابلیت عناصر بصری در ایجاد بعد وحرکت	توجه هنرمندان ایران باستان به موضوع حرکت و القای بعد و عمق در قالب خطوط، ریتم های پیوسته و هماهنگ و ایجاد تغییر در انحنا و ضخامت اشکال در نقوش سفالینه ها.		استفاده از روش‌های‌گو ناگون برای ایجاد خطای باصره القای حرکت و عمق در قالب اشکال هندسی و انتزاعی.	
۵	توجه به اصل قابلیت تکثیر	جست‌وجوی مضامین تازه و انتخاب نقش‌های گویا در قالب شکل‌ها و ترکیبات هندسی جهت سهولت و تکثیر و باز آفرینی آن در عرصه تولید سفال.		توجه به زمینه های اجتماعی هنر و سازماندهی آثار در قالب شکل های هندسی و انتزاعی، به طوریکه بتوان آن ها را تکثیر و باز آفرینی کرد و در اختیار همه‌گان قرار داد.	

www.SID.ir

جدول ۲- تطبیق ویژگی های موجود در نقوش سفالینه های ایران باستان با آثار هنرمندان آپ آرت

	ویژگی های نقوش سفالینه های باستان		ویژگی های آثار هنرمندان آپ آرت	
۱	استفاده از طرح های هندسی برگرفته از سبد بافی شامل مثلث‌ها لوزی ها، مربع های شطرنجی و دوایر ...	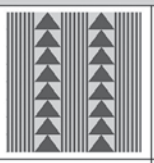	گرایش به ساده سازی ها و استفاده از عناصر بصری در قالب اشکال تخت هندسی نظیر مربع، مثلث، مستطیل، چند وجهی و دوایر در زوایای مختلف.	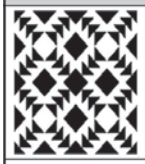
۲	شکل ها و نماد های هندسی، با بهره گیری از جوهر درونی اشیاء که حاوی پیامهای زیست محیطی هستند.		انتخاب عناصری که به عنوان بخشی از طبیعت وجود دارند عناصر تشکیل دهنده یک منظره، درخت‌ها، رودخانه‌ها و حیوانات درقالب اشکال انتزاعی و هندسی بدون تأکید بر منظره سازی.	
۳	ایجاد هماهنگی و ارتباط بین نقوش وشکل سفالینه ها با بهره گیری از اشکال و کیفیت های بصری در ترکیب و تزیینی زیبا و لذت بخش.		ایجاد ساختاری زیبا و هماهنگ با استفاده از اشکال و عناصر انتزاعی در جهت ایجاد لذت بصری.	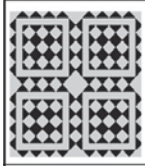
۴	ایجاد جنبش نمایی بصری و القای تصور حرکت در مواجهه با پدیده های متحرک طبیعت، با استفاده از خطوط و اشکال هندسی پیچش‌های موزون، زیگزاگ های مواج درقالب ریتم های هماهنگ.		بهره گیری از شیوه ها و تدابیر گوناگون برای ایجاد تصور حرکت و دگرگیسی در قالب نقش های موجدار،ضرب آهنگ‌های سکته دار، شکل های مکرر هندسی و جذابیت خطوط موزون.	

مشاهده می شود، ایجاد نموده است. تصـــویر ۲۱ مربوط به سفالی از منطقه شوش است. ازجمله ویژگی های این نقش برقراری ارتباطی است که بین نقوش و بخش های آن حاصل آمده است. ریتم و حرکت پله ای نقش ها و جایگزینی مناسب آن ها در فضا های پر و خالی، ترکیبی پویا و متنوع به اثر بخشیده، به طوری که بیننده را گام به گام به مرکز اثر نزدیک می گرداند. تکرار خطوط لوزی در قطرهای اصلی، این توجه را تقویت می کند و بر زیبایی و تنوع نقش می افزاید. سطح سفال از تکرار همین ترکیب در امتداد سطح افقی آن کامل می شود و علاوه بر ایجاد نقشی هماهنگ توجه مخاطب را نیز به دور سفال هدایت می کند. استفاده از ترکیبات متمرکز که نگاه مخاطب را به درون خود می کشاندو توهمی از عمق را در ذهن او ایجاد می کند، در آثار هنرمندان آپ آرت کاربرد فراوان دارد. (تصویر۲۲)

نتیجه

آن چه در این پژوهش مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت، در حقیقت تاکیدی است بر اهمیت و ضرورت شناخت ما از فرهنگ، اندیشه و هنر گذشتگان و دست یابی به ارزش ها و معیارهای موجود در آثار آن ها است. به این منظور تحقیق پیش رو می کوشد، با بررسی و مقایسه نقوش سفالینه های ایران باستان، با آثار هنرمندان آپ آرت تنها به بخش کوچکی از این پیشینه هنری ارزشمند اشاره کند. در انجام این تحقیق با مطالعه در تاریخچه سفالگری ایران باستان مشخص شد، چگونه تحولات اقتصادی و اجتماعی در جوامع باستان، نقش تعیین کننده ای در تولید و ساخت سفال به عنوان کالایی برای داد و ستد دارد. در این تحول نقوش سفالینه های ایران باستان به عنوان وسیله و ابزاری جدید در جهت بیان نیازها، خواسته ها و ثبت پیام ها وظیفه انتقال مفاهیم، اندیشه ها و عقاید مردم باستان را در قالب نقوش و علائم نمادین بر عهده می گیرد. بررسی ها نشان می دهد گرایش به جست وجوی مضامین تازه، پدید آوردن روش های فنی بهتر و آفرینش نقوشی خلاق در عرصه سفالگری ایران باستان به نوعی بیان تصویری ساده و انتزاعی می رسد که آثار بسیاری از نقاشان معاصر به ویژه

باغ ارم، نقاشی روی کاشی هفت رنگ، نقاشی های بر گرفته از اساطیر کهن، گرفت وگیر، باغ ارم

Archive of SID
www.SID.ir

هنرمندان شیوه آپ آرت را به آن ها نزدیک می کند. گرایشی که در سال های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ تحت عنوان نقاشی بصری به دنبال دست یابی به ادراکات حسی ناب، تاثیرات دیداری و ایجاد خطاهای بصری از طریق سازمان دهی اشکال انتزاعی در سطح اثر بود. دلایل این تشابه را می توان به طور مختصر در بهره گیری از انواع تدابیر بصری به ویژه گرایش به ساده سازی و استفاده از اشکال ناب هندسی، تاثیر پذیری از طبیعت با توجه به مفهوم و جوهر درونی پدیده ها، معیارهای زیبا شناسی و ایجاد تاثیری لذت بخش در قالب ترکیبات بصری، استفاده از روش های گوناگون جهت القای حرکت و عمق در قالب اشکال انتزاعی و نیز انتخاب نقش هایی گویا و متناسب جهت سهولت درتکثیر و باز آفرینی درعرصه تولید دانست.

منابع و ماخذ

پوپ،آرتور آپهام، شاهکارهای هنر ایران، مترجم پرویز ناتل خانلری، چاپ سوم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸٤.

توحید، فائق، فن و هنر سفالگری، چاپ دوم، نشر سمت، تهران، ۱۳۸۲.

کامبخش فرد، سیف الله، سفال و سفالگری در ایران، چاپ اول، نشر ققنوس، تهران، ۱۳۸۰.

کاندینسکی، واسیلی، معنویت در هنر، مترجم اعظم نور اله خانی، چاپ چهارم، انتشارات اسرار دانش، تهران ۱۳۸۷.

گودرزی، مرتضی، هنر مدرن، چاپ اول، موسسه چاپ سوره، تهران، ۱۳۸۱.

هاروارد آرناس، یورواردو، تاریخ هنر نوین، مترجم محمد تقی فرامرزی،چاپ دوم، انتشارات زرین- نگاه، تهران، ۱۳۷٤.

هاوزر، آرنولد، تاریخ اجتماعی هنر، جلد اول، مترجم امین موید، چاپ اول، انتشارات چاپخش، تهران ۱۳٦۲.

عبدالهیان، بهناز، بررسی مفاهیم و نمادهای مهر و ماه نقش بسته بر سفالینه های پیش از تاریخ اسلام، فصلنامه هنر، دوره اول، شماره صفر، ۱۳۷۷.

Archive of SID

www.SID.ir